یادی از حسینیه خانگی مرحوم حاج شیخ محمدتقی

حسینیه دویس

گـل دفتـــر

۰۶
نجمه موسوی زاده
خبرنگار شهرآرامحله

روضه‌خوانی برای حضرت اباعبدا... الحسین(ع) تاریخی دیرینه دارد و همواره در شهرهای مختلف با رسم و آیین‌های متفاوت این مراسم برگزار می‌شده است. در شهر مشهد حسینیه‌هایی وجود دارد که قدمت آن‌ها به چندصدسال می‌رسد و برخی از آن‌ها به نام علمای بزرگ شده‌اند. بنیان‌گذار یکی از این حسینیه‌های به ۲ قرن از شکل‌گیری آن می‌گذرد، مرحوم آ این حسینیه به‌عنوان یک پایگاه اجتماعی چ

خدمتگزاران حسینیه مرحوم شیخ در شصت سال پیش

هجرت به مشهد

محمدرضا تقوی بجنوردی با اشاره به زندگی‌نامه جد بزرگ خود می‌گوید: مرحوم آیت‌ا... شیخ محمدتقی بجنوردی از عالمان قرن سیزدهم هجری است که در بوزنجرد یا همان بجنورد متولد شده است. مستنداتی از تاریخ ولادت وی به ثبت نرسیده، اما اطلاعات ما مبنی بر این است که آیت‌ا... در ۱۴ صفر ۱۲۷۵ شمسی به رحمت خدا رفته و در آن زمان حدود ۸۰ سال سن داشته است.

وی در ارتباط با گزارشی که مدعی است مرحوم از بحرین به ایران مهاجرت کرده است، بیان می‌کند: مطابق شنیده‌ها اجداد مرحوم آیت‌ا... شیخ محمدتقی بجنوردی از سادات قریشی بوده‌اند و شاید ۲۰ نسل قبل از وی از مدینه به بحرین و سپس به ایران مهاجرت کرده‌اند و در شمال خراسان و در شهر بجنورد ساکن شده‌اند، اما آنچه در روایات قید شده، این است که ۵ نسل قبل از آیت‌ا... در ولایت بجنورد یا بوزنجرد یا بیژنگرد ساکن بوده‌اند.

حاج شیخ محمدتقی بعد از گذراندن تحصیلات ابتدایی در بجنورد و مشهد در بیست‌سالگی به حوزه نجف عزیمت کرد و شاگرد مرحوم آیت‌ا... العظمی محمدحسن نجفی (صاحب جواهر) شد و با رحلت این مرجع بزرگ دینی نزد آیت‌ا... العظمی شیخ مرتضی انصاری ادامه تحصیل داد و به درجه اجتهاد رسید. سپس به زادگاهش بجنورد بازگشت، اما بعد از مدتی با حاکم وقت بجنورد اختلاف پیدا کرد و تصمیم گرفت تا به مشهد مهاجرت کند.

محمدرضا تقوی بجنوردی در این باره بیان می‌کند: اوایل دوره سلطنت ناصرالدین شاه، حاکم بجنورد شخصی به نام یارمحمدخان سهام‌الدوله بود که سر مسائل شرعی با مرحوم آیت‌ا... شیخ محمدتقی اختلاف پیدا کرد و روایتی در همین راستا وجود دارد که اختلاف آن‌قدر بالا گرفته بود که حاکم قصد قتل شیخ را داشته است. آیت‌ا... نیز تصمیم به مهاجرت به مشهد گرفت. مردم بجنورد از این ماجرا بسیار ناراحت شدند و از وی خواستند از تصمیم خود منصرف شود، اما او قبول نکرد و راهی مشهد شد و امام جماعت مسجد جامع گوهرشاد شد.

کوچه آشیخ محمدتقی

زمانی که مرحوم آیت‌ا... شیخ محمدتقی بجنوردی به مشهد مهاجرت کرد، شهر مثل اکنون بزرگ نبود و تنها از ۲ محور اصلی پایین خیابان و بالاخیابان تشکیل شده بود. شیخ نیز منزلی را در ابتدای بالاخیابان خرید و در آن ساکن شد. سپس تصمیم گرفت تا در منزل شخصی خود برای تبرک و تیمن مراسم روضه‌خوانی دهه اول محرم را برپا کند، اما رفته‌رفته با دیدن استقبال مردم از این مراسم، روضه‌خوانی در دهه پایانی ماه صفر و سپس روزهای وفات معصومان(ع) و بعدها روزهای جمعه نیز اضافه شد. آن‌قدر این مراسم باشکوه و پرشور برگزار می‌شد که مردم به منزل شخصی آیت‌ا... لقب «حسینیه شیخ» دادند و در گذر سال‌ها این کوچه نیز به نام آشیخ محمدتقی شناخته می‌شود.

نذرهای مردمی و مراسم‌های پیاپی سبب شد تا مردم برای پذیرایی مجالس به همراهی خانواده شیخ بجنوردی بیایند و «انجمن خدمتگزاران حسینیه منزل حاج محمدتقی بجنوردی» شکل بگیرد. آن‌ها قصد خدمتگزاری داشتند و می‌خواستند با سیاه‌پوش کردن، جاروزدن و... در ثواب این مجلس شریک باشند. اولین گروه ایجادکننده این انجمن، از سادات رضوی بودند که پای کار آمدند. آن‌ها شال سبز می‌انداختند و مشغول خدمت می‌شدند. به‌دلیل حضورشان در حسینیه، برخی مردم این مکان را «دارالسیاده حاج شیخ محمدتقی»، یعنی خانه سادات نیز می‌نامیدند. کم‌کم غیرسادات هم پای کار آمدند و تعداد خدام بیشتر شد. این مجلس تا زمان حیات حاج شیخ محمدتقی ادامه داشت و با توجه به اینکه شیخ در وصیت‌نامه خود به فرزندانش توصیه کرده است تا این مجلس را ترک نکنند، به حرمت وصیت آن مرحوم، اولاد پسر از منزل شیخ نقل مکان نکردند و مراسم روضه‌خوانی را ادامه دادند.

حاج شیخ مرتضی بجنوردی تنها پسر خانواده بود که مراسم روضه‌خوانی را همچون پدر برگزار کرد. او ۲ فرزند پسر داشت که یکی از آن‌ها در زمان حیاتش به رحمت خدا رفت و دیگری حاج شیخ رضا بود که به وصیت جدش عمل کرد و سپس تنها فرزند پسر او، محمدجواد معروف به حاج حسین، راه پدرش را دنبال کرد. این مراسم روضه‌خوانی تا ۱۰۰ سال بعد از فوت شیخ محمدتقی بجنوردی ادامه داشت تا اینکه سال ۱۳۷۶ منزل یا حسینیه شیخ در طرح توسعه حرم قرار گرفت و تخریب شد.

حسینیه شیخ در نمای نزدیک

محمدرضا تقوی بجنوردی با اشاره به اینکه خانه با وجود قدمت بنایی که داشت، در این همه سال شکل خود را حفظ کرده بود، بیان می‌کند: حسینیه شیخ، خانه‌ای ۷۵۰ متری با بافت کاملا مسکونی بود. بخش‌های اندرونی و بیرونی با معماری سنتی و شامل قسمت‌های شاه‌نشین، ایوان، حوض و... بود و طراحی برای حسینیه نداشت، اما ایام عزاداری که می‌شد، یک‌باره تغییر شکل پیدا می‌کرد و پرچم‌های سیاه به اهتزاز در می‌آمد و تعدادی از اتاق‌ها تخلیه می‌شد. به خاطر دارم یکی از اتاق‌ها به آبدارخانه تبدیل می‌شد و در حیاط خیمه‌ای برای عزاداری برپا می‌شد. او درباره سختی‌های برپاکردن خیمه‌ها در گذشته می‌گوید: وسط حیاط خانه قدیمی خیمه برپا می‌کردیم. تیرک خیمه را وسط حیاط می‌زدند. این تیرک از وسط کوچه رد نمی‌شد. برای همین آن‌را از روی پشت‌بام‌ها می‌آوردند. برپاکردن خیمه خیلی زحمت داشت. در زمستان برای گرمای خیمه در آتش‌دان‌ها زغال آتش می‌کردند و دودش را می‌گرفتند و دورتادور می‌گذاشتند. مردم در همه جای خانه برای شنیدن ذکر مصیبت و روضه‌خوانی می‌نشستند. محمدرضا تقوی بجنوردی درباره ظروف خاصی که در هیئت استفاده می‌شد هم برایمان بیان می‌کند: در گذشته ظرف‌های شله سفالی و قاشق‌ها هم چوبی بود. وی با بیان اینکه فاصله منزل شیخ تا حرم مطهر شاید ۱۰۰ متر بیشتر نبود، ادامه می‌دهد: زمانی که موضوع تخریب خانه مطرح شد، پدرم بسیار ناراحت بود. چون نمی‌خواست وصیت جد بزرگش زمین بماند، اما جالب اینجاست آیت‌ا... در همین وصیت‌نامه ذکر کرده است که «اقامه عزاداری حضرت اباعبدا... (ع) انجام شود، در حوالی خانه‌ای که فعلا سکنا دارید یا در حوالی بعد از آن. چه از خود ممکن شود یا غیر.» به این معنا که اگر این خانه تخریب شد، در مکانی دیگر مجلس روضه‌خوانی برگزار شود. بر همین اساس حسینیه که تخریب شد، پدر تصمیم گرفت تا وصیت جد خود را ادامه دهد. به همین دلیل هم با سهم‌الارث خود منزلی در کوچه سجادی خیابان امام خمینی (ره) خرید و به «حسینیه شیخ» تبدیل کرد تا نام جد بزرگ خود را زنده نگه دارد. این مکان نیز منزل شخصی است، اما با نام حسینیه شناخته می‌شود.

عالم‌تر از اول خراسان

روایت‌های شفاهی زیادی از شیخ محمدتقی بجنوردی وجود دارد که نسل به نسل چرخیده، اما برخی از این روایات در کتب معروف عالمان دینی نیز ذکر شده است. به‌عنوان مثال شیخ آقابزرگ تهرانی در طبقات اعلام‌الشیعه می‌نویسد: «او از بزرگ‌ترین دانشمندان و معتمدان عادل و پرهیزگار در مشهد و شهره خاص و عام بود و به اتفاق نظر مرجع تقلید عمومی بود. از محضر درس او گروهی از دانشمندان ممتاز فارغ‌التحصیل شدند. من در اوایل سال ۱۳۱۱ قمری خدمت ایشان مشرف شدم. وقتی که مشرف به زیارت حضرت امام رضا(ع) بودم و مجلس عزای حسینی که در خانه‌اش برگزار می‌کرد، در دهه عاشورا ملاحظه کردم. پیرها اظهار داشتند همچون مراسمی در مشهد برگزار نشده بود و در طول زمان مشاهده نکرده بودم و فراموش نمی‌کنم در روز عاشورا وقتی که بر بالای منبر قرار می‌گرفت، پریشان‌خاطر و بدحال، جامه‌دریده و عمامه‌باز بر دوش او قرار گرفته بود، پس گریان و نالان بر منبر نشست و مردم از ضجه او به گریه افتادند و هیاهو برپا شد و گریه و ناله و سینه‌زنی و آه زیاد شد تا اینکه بیشتر مردم از حال رفتند. عمر پربرکت ایشان با تدریس و رواج مذهب و اقامه شعائر دینی سپری شد...»

نامه سیدجمال‌الدین اسدآبادی

نسل چهارم شیخ محمدتقی یادآور می‌شود: در کتب مختلف